

نشان‌ها، مدال‌ها و یادبودهای ایران

دورهٔ پهلوی

(۱۳۵۷-۱۳۰۴ش)

علی اکبر شاه‌حسینی

زیر نظر: دکتر علیرضا شاه‌حسینی



پایزنه
یادآور پانی هست



پازینه

میدان انقلاب، اول خیابان کارگر جنوبی، بن بست گشتاسب، شماره ۴ طبقه همکف

تلفکس: ۶۶۹۶۱۵۲۲ و ۶۶۹۷۵۲۴۶-۷ تلفن همراه: ۰۹۱۳-۱۰۵۴۰۹۸

www.pazinehpress.ir

چاپ اول : پاییز ۱۳۹۵

نام کتاب : نشان ها، مدال ها و یادبودی های ایران دوره پهلوی

ناشر: پازینه

مؤلف: علی اکبر شاه حسینی

زیر نظر دکتر علیرضا شاه حسینی

مترجم بخش انگلیسی: زینب پاک سرشت

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سیب سبز

شمارگان : ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۸۰-۱۲۴-۲

سرشناسه : شاه حسینی، علی اکبر، ۱۳۶۱ -

عنوان و نام پدیدآور : نشان ها، مدال ها و یادبودی های ایران دوره پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۵۷ش.) / علی اکبر شاه حسینی.

مشخصات نشر : تهران: پازینه، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری : ۵۵۱ص: مصور(رنگی).

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۱۸۰-۱۲۴-۲

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه: ص. ۲۵۰.

موضوع : نشان ها -- ایران

موضوع : سکه های ایرانی

موضوع : ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۰۴ - ۱۳۵۷

رده بندی دیویی : ۷۳۷/۲۰۹۵۵۰۸۲

رده بندی کنگره : [C]۶۴۵۷/پ۹ش ۲ ۱۳۹۵

شماره کتابشناسی ملی : ۴۱۹۷۲۵۲

تمامی حقوق این اثر محفوظ است

هرگونه استفاده تجاری و بازرگانی از این کتاب اعم از بازنویسی، خلاصه سازی، فرهنگ الکترونیک، لوح فشرده و استفاده در شبکه های الکترونیکی و بزرگ راههای اینترنتی و اینترنتی و نظایر آن و بطور کلی هر نوع تکثیر کلی و یا جزئی ممنوع و قابل پیگرد قضایی است.

قیمت: ۶۵۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

۷	مقدمه نویسنده
۹	پیش گفتار
	فصل اول.
۱۵	رضاشاه پهلوی (۱۳۲۳-۱۲۵۶ش)
	فصل دوم.
۲۷	محمد رضاشاه پهلوی (۱۳۵۹-۱۲۹۸ش)
	فصل سوم.
۴۹	معرفی نشان‌ها، مدال‌ها و سکه‌های یادبودی پهلوی
۵۳۵	آلبوم تصویری
۵۴۶	فهرست منابع و مآخذ
	چکیده انگلیسی

این کتاب را
به روح پاک پدر عزیزم
که عمری را به صدق و وفا
در خدمت به ایران و ایرانی گذراند،
همچنین به مادر عزیزتر از جانم
تقدیم می کنم.

مقدمه نویسنده

در هر ملت و کشوری، با هر فرهنگی که داشته باشند، با توجه به دگرگونی و تغییر حکومت‌ها و تشکیل حکومت جدید، شاهان و حکام، نشان‌ها و علامات سلطنتی و تشریفاتی و کشوری خود را نسبت به زمان و موقعیت و سلیقه خود تغییر می‌دهند تا وجهه برتری حکومتشان را با حکومت قبلی مشخص کنند و بتوانند برنامه و کارآمدی خود را برای مردم مسجل سازند؛ یکی از نخستین چیزهایی که تغییر می‌یابد، علائم و نشانه‌های آن حکومت است؛ زیرا در دنیای نشانه‌ها، معنایی عمیق و اثرگذار وجود دارد و در واقع سعی بر این است که خود را بالاتر و قانونمندتر از حکومت قبلی نشان دهند و این تغییرات از مرسومات دیرینه و قدیم‌الایام است که حکام و شاهان گذشته ایران‌زمین نیز از آن تبعیت می‌کردند؛ از طرفی موضوع تشویق و تقدیر از خدمتگزاران در سطوح و طبقات مختلف نیز همواره مورد توجه ایشان بوده و سراسر تاریخ ایران مشحون از این‌گونه ابراز لطف و عنایت از خادمان بوده است.

نبود منبعی جامع و کامل در خصوص اطلاعات نشان‌ها و یادبودی‌های ایران معاصر، مرا بر آن داشت تا با یاری از خداوند متعال، سعی کرده قدم نخستین و البته کوچکی را در راه معرفی بخشی مغفول‌مانده از تاریخ این مرز و بوم بردارم و زحمات محققان گذشته را در این خصوص، در کتابی جامع و واحد گردآورم و مواردی که کم نیز نبودند را هم با مطالعات و تحقیقاتی وسیع به آن اضافه نمایم که امیدوارم مورد عنایت اساتید، پژوهشگران، علاقه‌مندان به تاریخ و مجموعه‌داران عزیز که خود عضو کوچکی از ایشان هستم قرار بگیرد.

این کتاب به نشان‌ها، مدال‌ها و سکه‌های یادبودی ایران در دوره پهلوی می‌پردازد و انشاءالله



کتابی نیز مربوط به دوره قاجاریه در آینده‌ای نزدیک منتشر و در دسترس علاقه‌مندان عزیز قرار خواهد گرفت.

کتاب حاضر شامل فصولی است که با خلاصه‌ای از رویدادهای سیاسی و شرایط عمومی اواخر حکومت قاجاریه و سلطنت احمدشاه قاجار و سپس پایه‌گذاری سلطنت پهلوی در ایران توسط رضاخان، شروع و با محمدرضاشاه پهلوی و انقراض این سلسله ادامه یافته، سپس وارد بخش معرفی موارد می‌شویم.

لازم به ذکر است که به علت محدودیت در صفحه‌بندی و یکسان‌سازی فریم‌ها، موارد در اندازه‌های واقعی نیامده‌اند و نیز از اینکه به علت برخی محدودیت‌ها، بعضی از تصاویر از کیفیت لازم برخوردار نیستند از مخاطبان گرامی پوزش می‌طلبیم.

تا حدی که در قدرت و استعداد ما بود، برای گردآوری اطلاعات درباره نشان‌ها، مدال‌ها و یادبودی‌های پهلوی کوشش کردیم؛ معذالک اعتراف می‌کنیم که کار ما کامل نیست و مطمئناً مواردی وجود داشته باشد که اطلاعات یا تصاویری از آنها نیافتیم و بجاست که مطلعین و علاقه‌مندان گرامی لطف کرده ما را در تکمیل یا رفع نقص احتمالی این کار فرهنگی یاری دهند. در پایان بر خود لازم می‌دانم ابتدا مراتب سپاس خود را از خداوند متعال ابراز دارم که توفیق این خدمت را برای این خدمتگزار فرهنگ فراهم کرد و سپس تشکر خود را از خانواده گرامیم که صبورانه در این راه چهارساله مرا همراهی کردند و نیز خدمت‌دوستان گرامی آقایان مجید خانلری، حسن پیرمردی، داریوش دمیرچی و آقای آرش اسماعیل‌زاده و کلیه دوستان و عزیزانی که در این راه یاری رساندند، تقدیم نمایم. آرزو دارم خداوند متعال بر توفیقات همه رهروان راه فرهنگ اصیل و عزت و بالندگی ایران عزیز بیفزاید.

علی اکبر شاه‌حسینی

اسفند ۱۳۹۴



پیش‌گفتار

نشان یا مدال معمولاً شیئی گرد و پهن و نازک، کمی بزرگتر از سکه‌های متداول است که اکثراً جنسی فلزی دارد و دارای نقش‌های چاپی یا حکاکی شده و یا قلم‌زنی شده است. نشان‌ها معمولاً به عنوان جایزه و تشویق یا قدردانی به اشخاص حقیقی یا حقوقی برای فعالیتی ورزشی، علمی، فرهنگی و یا نظامی اهدا می‌گردد. نشان‌ها ممکن است در یادبود واقعه‌ای، یا شخصی طراحی و تهیه گردد. هنرمندانی که این نشان‌ها را می‌سازند، «مدالیست» نامیده می‌شوند. همچنین نشان‌ها گاهی برای نشان دادن حالتی و تعلق خاصی در مراسم رسمی و مذهبی مختلف به کار می‌روند. مدالیون معمولاً به نشان‌های بزرگتر گفته می‌شود که رومیزی بوده و به لباس نصب نمی‌شود. در مواردی، نشان به شکل چندظلعی ساخته می‌شود و به آن، پلاک اطلاق می‌گردد.

تصویر و یا موضوع نشان که معمولاً عبارت از چهره و یا علامت و نوشته اصلی است، روی آن و پشت نشان معمولاً خالی است یا موضوع و هدف ساختنشان ذکر شده است. در نشان‌هایی که از گردن آویزان می‌شوند، حلقه‌ای در قسمت تاج آن ساخته شده تا نوار مخصوص آویز به آن وصل شود. نشان‌های جدید معمولاً از برنز ساخته می‌شوند که هم ارزان و هم دوام آن خوب است و ایجاد نقش بر آن، راحت است، اما از دیگر فلزات مانند نقره، پلاتین و طلا و سایر فلزات نیز استفاده می‌شود. نشان‌هایی از شیشه و چوب و اشیاء دیگر نیز تهیه شده است.

انواع نشان

اهدای نشان نخستین‌بار به اسکندر منسوب شده است. او نشانی طلایی را برای قدردانی



به شخصی که او را در جنگ کمک کرده بود، داد. اعطای نشان‌های طلایی در میان امپراتوران روم نیز متداول بود. بعد از فروپاشی امپراتوری روم، نشان‌های طلایی نازک و کوچکی که در حدود سکه‌های رایج بود، با نقش سر خدایان و یا تصویرهای دیگر



به عنوان گردن‌آویز استفاده می‌شد.

در قرون وسطی دادن نشان در میان سیاستمداران متداول بوده و آنها برای تسریع کار خود و یا سفارش و توصیه‌های شخصی، اقدام به فرستادن نشان‌هایی از طلا یا نقره با تصویر حکاکی‌شده خود می‌کردند. معمولاً در پشت یا در دور آن، اسم یا علامتی از خودشان قید شده بود. پیزانلو اولین سازنده نشان در قرون وسطی است که نشان‌ها را به روش ریخته‌گری تولید می‌کرد. در قرن شانزدهم میلادی با ابداع دستگاه ضرب نشان، کار سازندگان آسان شد و به جای کنده‌کاری، از برجسته‌کاری توسط ماشین استفاده می‌کردند.

اعطای نشان ورزشی از زمان روم باستان مرسوم بود. نشان‌ها از طلا، نقره، برنز، مس و مفرغ بوده و سابقه آن به داستان سامانه سه دوره‌ای اساطیر یونانی برمی‌گردد.

اعطای نشان‌های نظامی نیز برای اولین بار به ۵۰۸ قبل از میلاد مسیح در روم باستان برمی‌گردد که برای سربازان روم نشان‌هایی تهیه و به سینه افراد نصب می‌گردید. نشان‌های



نظامی شامل دو گونه آرایه‌های خاص و نشان‌های خدمتی است. آرایه‌های خاص نشان‌هایی هستند که برای قدردانی از شخصی که در اقدامات جنگی مهم و یا پُرخطر شرکت داشته، اعطا می‌شود. نشان‌های خدمتی نشان‌هایی هستند که در طول خدمت و یا در طی یک دوره خاص به فرد نظامی داده می‌شود.

مفهوم و هدف اعطای نشان

در گذشته نشان دو معنی داشت؛ نخست، چون سران و پادشاهان پیامی برای کسی ارسال می‌کردند، به همراه پیک، نشانی که دریافت‌کننده پیام را از صدق و راستگویی پیک مطمئن سازد، می‌فرستادند. مثلاً در ایران، فرستادن انگشتری به عنوان نشان مرسوم بود





و نزد اقوام تورانی نیز همان نشان مرسوم بود. گاه به جای انگشتری، چیزی دیگر به عنوان نشان برای تعیین و نماد سند و یا ابراز محبت و وابستگی به کسی داده می شد تا در هنگام ضرورت، ارائه نماید. معنی دیگر نشان، علامتی بود که حکومت ها برای افتخار یا خدمت به کسی می دادند.

نشان های ایرانی

اعطای نشان، از روزگار باستان در ایران رایج بود. پادشاهان ایرانی از زمان هخامنشی به بعد سعی می کردند به گونه ای از افرادی که مصدر خدماتی بودند، قدردانی کنند. این قدردانی به صورت گوناگونی جلوه گر بود؛ مثلاً گاه سلاح و جنگ افزاری همچون شمشیر، نیزه و خنجر و گاه خاتم و انگشتری و موارد دیگر هدیه می دادند. در تاریخ سیاسی ایران نیز بسیار دیده شده که با برقراری رابطه دوستانه با کشورهای دیگر، تمثال و تصویرهای پادشاهان بین دو طرف رد و بدل می شد؛ گاهی نیز سکه و نشان هایی که ضرب آنها به مناسبت اعیاد مذهبی یا نوروز بود، به خدمتگزاران داخلی و امراء و سران خارجی اهداء می شد.

رایج ترین نقش نشان های ایرانی، نشان شیر و خورشید بود. درباره نقش شیر و خورشید و تاریخچه آن، احمد کسروی در مقاله ای به دلایل بسیار استناد کرده و با ذکر نمونه های متعدد، آورده که هم خورشید و هم شیر به صورت تنها و جدای از یکدیگر در نزد مردمان مورد توجه بوده است؛ اما اینکه چگونه شیر و خورشید، به هم پیوسته و نشانی واحد گردید و بعدها این نقش به عنوان نشان رسمی دولت ایران انتخاب شد، اظهار می دارد که شیر و خورشید از زمان های باستان باقی نمانده و شکلی خاص که معنا یا رازی را در برداشته باشد، نیست. چنانکه ابن عبری (مورخ) نقل می کند، پیوستگی شیر و خورشید به عنوان یک نقش مشخص، نتیجه دلباختگی کیخسرو سلجوقی به همسرش شاهزاده خانم



گر جی بوده و کیخسرو قصد کرده که چهره شاهزاده خانم را روی سکه‌ها نقش کند؛ اما از آنجا که پیکرنگاری در اسلام مورد مذمت بود، با مخالفت اطرافیان مواجه شد و بنابراین به پیشنهاد یکی از مشاوران خود، پیکر شیری را روی سکه نگاشتند و بر آن، رخساره همچون خورشید شاهزاده خانم را کشیدند که اگر کسانی که به جست‌وجو برخاستند و پرسش‌هایی شد، گفته شود این نقش، نشان طالع پادشاه است



که هنگام زاییده شدن او، خورشید در برج اسد (شیر) بوده است. چنین بود که این شکل پدیدار گشت. سپس دیگران بی‌آنکه به معنای اصیل آن واقف باشند آن را به کار بردند و بدین‌سان یکی از شکل‌های شناخته‌شده گردید و تا عهد فتح‌علی‌شاه، به همان عنوان به کار رفت. در زمان فتح‌علی‌شاه قاجار به پیروی از دولت‌های اروپائی که برای خود، نشان‌هایی جهت لژیون‌ها داشتند، دو گونه نشان، یکی تصویر ذوالفقار و دیگری پیکر شیر و خورشید وجود داشت. در دوره محمدشاه باز هم به پیروی از اروپائیان، بر آن شدند نشانه‌ای ویژه برای حکومت ابداع کنند؛ پس آن دو شکل را با هم یکی کردند و ذوالفقار را بدست شیر دادند و با افزودن تاج بر بالای آن، در نهایت شکل شیر و خورشید (نشانه رسمی دولت ایران) پدید آمد.

دوره قاجار

نام قاجاریان از اواسط قرن دهم در اسناد تاریخی دیده می‌شود و بین مورّخین در خصوص اصل و نسب این طایفه اختلاف نظر وجود دارد؛ دسته‌ای آنها را مغول و برخی ترک دانسته‌اند و در این میان مرحوم نفیسی اعتقاد به ترک بودن قاجاریان دارد. بیشترین اطلاعات قابل توجه در مورد اعطای نشان به مفهوم امروزی آن، مربوط به عصر قاجار می‌باشد. در اوایل قرن نوزدهم که دولت ایران روابط سیاسی و تجاری خود با کشورهای اروپایی را بسط و توسعه داد، از طرف سلاطین کشورهای مزبور ضمن سایر هدایای ارسالی، مدال‌هایی نیز اهدا می‌شد که متقابلاً می‌بایست از طرف ایران نیز در این مورد اقدام می‌گردید بنابراین، موضوع تهیه نشان از اینجا مورد توجه قرار گرفت و به تدریج این مسئله تحت ضابطه و ترتیب مشخص و معینی درآمد.

در ایران معاصر، آغاز اعطای نشان‌های رسمی، به زمان فتح‌علی‌شاه قاجار نسبت داده شده است. در زمان فتح‌علی‌شاه برای قدردانی از خدمات مردان ایرانی و هم ایجاد روابط نزدیک‌تر با اروپا، نشانی به نام «شیر و خورشید» ساختند و به کسانی که خدمتی شایسته می‌کردند، می‌دادند.





نخستین نشان شیر و خورشید به یرمولف روسی و همراهانش که از سوی الکساندر اول به ایران آمده بودند، داده شد. فتحعلی‌شاه قاجار می‌گوید:

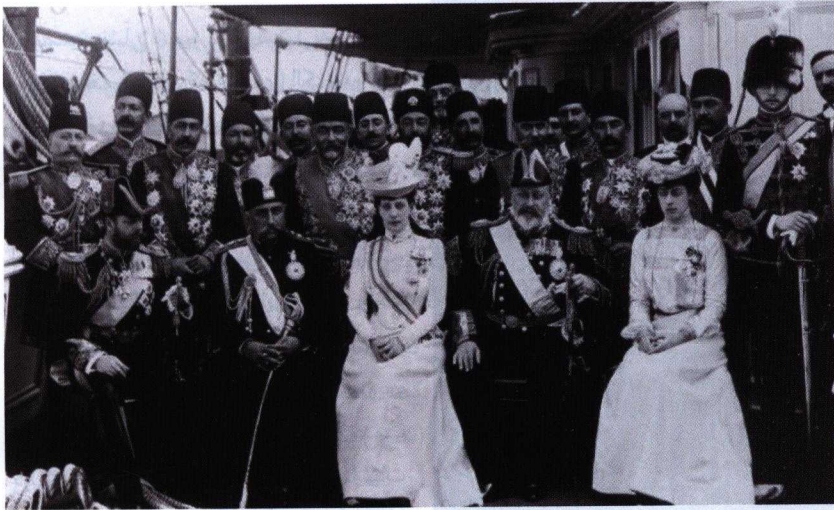
«ارادهٔ راسخ و میل ملوکانهٔ ما فعلاً بر آن است که برای تأمین ترقی و تعالی مملکت، عقد اتحاد و یگانگی را با سایر ممالک منعقد سازیم؛ بدین لحاظ یک قطعه نشان شیر و خورشید الماس به او مرحمت فرمودیم که زیب پیکر خود نموده در آتیه نیز از هیچ‌گونه خدمت در تشییع روابط صمیمانه و تحکیم مناسبات دوستانه بین دولتين فروگذار نکند. سنه ۱۲۳۲ هجری، ماه شوال المکرم».

تا اواخر دورهٔ فتحعلی‌شاه قاجار هیچ قانون مدوّن یا آیین‌نامه‌ای برای اعطای نشان‌های حکومتی، وجود نداشت؛ از آن به بعد یعنی در زمان محمدشاه قاجار، تلاش‌هایی در این زمینه صورت گرفت که بر اساس آیین‌نامه‌های خاصی، نشان‌ها را اعطا می‌نمودند و برای هرگونه خدمت، نوعی خاص از نشان‌ها در نظر گرفته شد. در این باب، رسالاتی با توضیحات مفصل و آشکال نشان‌ها تهیه و تکثیر شد و در اختیار مقامات قرار گرفت تا مجری دارند؛ از آن پس عدول از مقررات مخصوص نشان‌ها، البته مستوجب عقوبت و خشم سلطانی و عزل و تنبیه و جریمه و مؤاخذه می‌گردید. در سال ۱۲۵۲ق. در زمان محمدشاه قاجار نظام‌نامه‌ای برای دادن نشان‌های رسمی با عنوان «نظام‌نامه نشان دولت علیه ایران» تهیه شد.

در دورهٔ ناصرالدین‌شاه تغییراتی در اعطای نشان‌ها صورت گرفت؛ بجز نشان‌های دارای نقش شاه، در ساخت بقیهٔ نشان‌ها جواهر به کار نمی‌بردند و باید تماماً از نقره ساخته می‌شد. رساله‌ای در این باب تنظیم نمودند و در آن تأکید کردند که هدف از اعطای نشان، ارزش جنسی و مادی آن نیست که لزوماً به جواهر آراسته باشد بلکه هدف اصلی، حصول افتخار برای صاحب نشان است و نیز اشاره گردید که دولت نباید متحمل هزینه‌های گزاف برای ساخت نشان‌هایی گردد که در آن جواهر به کار رفته باشد.

در خاطرات سفر فرنگستان، هم ناصرالدین‌شاه و هم مظفرالدین‌شاه قاجار بارها به اهدای نشان‌ها به طرف‌های اروپائی، اشاره رفته است و در جای خود، بسیار خواندنی است ولی یکی از نشان‌ها که در خاطرات از آن یاد شده، نشان «آفتاب» می‌باشد. ناصرالدین‌شاه در دیداری که به





تاریخ جمعه ۲۵ ربیع الثانی ۱۲۹۰ با ملکه ویکتوریا داشته، از دادن نشان و حمایل اختراعی آفتاب مکمل به الماس، به ملکه یاد کرده است. مظفرالدین شاه نیز در خاطرات روز پنجشنبه ۱۳ صفر ۱۳۲۰ در رُم می نویسد:

«صبح از خواب بیدار شدیم؛ نماز و تعقیبات را خوانده و ثنای خدا را بجای آوردیم. بعد از صرف چائی، جناب اشرف اتابک اعظم شرفیاب شده، مطالبی که داشت، بعرض رسانید و قدری صحبت فرمودیم. لباس نظامی پوشیده، حاضر شدیم که باید امروز قبل از نهار، دو ساعت بظهر مانده بمیدان مشق برای سان قشون برویم. اول پادشاه بمنزل ما آمده، قدری نشسته با هم صحبت کردیم. جناب اشرف اتابک اعظم هم بود. نشان اقدس بایشان داده، جلوتر از ما پادشاه بمیدان مشق رفتند؛ قدری که گذشت، ملکه آمده، بایشان هم قدری صحبت نموده، نشان آفتاب هم بایشان دادیم.»

دوره پهلوی

در دوره رضاشاه پهلوی در پانزدهم اردیبهشت ۱۳۰۴ قانون نسخ القاب و درجات نظامی سابق از مجلس گذشت و مسئله اعطای نشانها نیز تا حدود زیادی محدود شد؛ اما در دوره پهلوی دوم، بار دیگر انواع و اقسام نشانها رایج گردید. در ادامه بیشتر به این دوران می پردازیم.

